

رتبه‌بندی نواحی روستایی براساس میزان رضایت از کیفیت زندگی با استفاده از مدل تصمیم‌گیری کوپراس

(مطالعه موردی: دهستان نورآباد، بخش مرکزی شهرستان دلفان، استان لرستان)

سیدعلی علوی* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تربیت‌مدرس
احدالله فتاحی - دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه تربیت‌مدرس و مدرس مدعو دانشگاه پیام‌نور دلفان
یاسر رمضان‌نژاد - دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت‌مدرس
ابراهیم خلیفه - دانشجوی دوره دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تربیت‌مدرس

تأیید نهایی: ۱۳۹۲/۱۲/۱۳

پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۰۸/۰۷

چکیده

امروزه کیفیت مکان زندگی انسان، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهش‌های برنامه‌ریزی مکانی - فضایی در کشورهای مختلف است. این اهمیت، به دلیل تأثیرگذاری روزافزون پژوهش‌های کیفیت زندگی در پایش سیاست‌های عمومی و نقش آن به‌عنوان ابزاری کارآمد در مدیریت و برنامه‌ریزی مکانی است. هرچند ارتقای کیفیت زندگی در مقیاس‌های فردی و اجتماعی در سکونتگاه‌های روستایی، از دیرباز مورد توجه برنامه‌ریزان بوده است، اما در دهه‌های اخیر و با اولویت‌یافتن اهداف اجتماعی توسعه و تدوین آن‌ها در قالب برنامه‌های توسعه، به تدریج نگرش انسانی و جامعه‌شناختی درباره کیفیت زندگی، به ادبیات توسعه و همچنین برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان کشورهای پیشرفته راه یافته است. هدف این پژوهش، سنجش و اولویت‌بندی شاخص‌های کیفیت زندگی در محدوده روستاهای دهستان نورآباد، شهرستان دلفان استان لرستان، با استفاده از شاخص‌های عینی و ذهنی است. داده‌ها با استفاده از پیمایش میدانی جمع‌آوری شدند. براین اساس، ۲۴۰ خانوار از روستاهای مورد مطالعه به شیوه تصادفی ساده برای مطالعه انتخاب شدند. در ادامه، از مدل تصمیم‌گیری کوپراس و شیوه‌های تحلیلی مربوطه، برای رتبه‌بندی شانزده روستای مورد مطالعه براساس میزان رضایت از کیفیت زندگی استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد ۳۹/۹ درصد از ساکنان این روستاها، از شاخص‌های کیفیت زندگی ذهنی، کاملاً ناراضی و تنها ۱/۷۸ کاملاً راضی هستند. همچنین، براساس مدل تصمیم‌گیری کوپراس می‌توان گفت روستاهای خلیفه‌آباد، اکبرآباد و ظفرآباد، به ترتیب بالاترین و روستاهای هاشم‌آباد، سبزه‌خانی و محمدرضاآباد، به ترتیب پایین‌ترین سطح کیفیت زندگی را از دید جامعه نمونه دارند.

کلیدواژه‌ها: بعد ذهنی و عینی، دهستان نورآباد، کیفیت زندگی، مدل تصمیم‌گیری چندمعیاره کوپراس، نواحی روستایی.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، شناسایی، ارزیابی و بهبود کیفیت زندگی، جزء اهداف اصلی محققان جامعه، برنامه‌ریزان و کارگزاران دولتی بوده است. بسیاری از دانشمندان، در رشته‌های علمی مانند روان‌شناسی، پزشکی، علوم اقتصادی، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و جغرافیا، مفهوم یکسانی از کیفیت زندگی را در پژوهش‌های علمی خود به کار نمی‌برند و تعریف کامل و جامعی از کیفیت زندگی وجود ندارد. شاید این امر در نتیجه این واقعیت باشد که کیفیت زندگی، متأثر از عناصر مهمی مانند زمان، مکان و همچنین ارزش‌های اجتماعی و فردی است (فتاحی و دیگران، ۱۳۹۱: ۷). هرچند ارتقای کیفیت زندگی در مقیاس‌های فردی و اجتماعی در سکونتگاه‌های روستایی، از دیرباز مورد توجه برنامه‌ریزان بوده است، در دهه‌های اخیر و با اولویت‌یافتن اهداف اجتماعی توسعه و تدوین آن‌ها در قالب برنامه‌های توسعه، به تدریج نگرش انسانی و جامعه‌شناختی درباره کیفیت زندگی، به ادبیات توسعه و همچنین برنامه‌ریزی‌ها و سیاستگذاری‌های کلان کشورهای پیشرفته راه یافته است. همچنین، جغرافیدانان و برنامه‌ریزان، به محیط‌ها و مکان‌های مطلوب و باکیفیت از جمله روستاهای سالم، خانه‌های سالم و زیست‌بوم‌های روستایی (اکو ویلیج)^۱ توجه می‌کنند، اما وجه مشترک این دیدگاه‌ها این است که کیفیت زندگی به‌عنوان اصطلاحی کلی، مفهومی برای نشان‌دادن چگونگی برآورده‌شدن نیازهای انسانی و همچنین معیاری برای ادراک رضایت و نارضایتی افراد و گروه‌ها از ابعاد مختلف زندگی در سکونتگاه‌هاست. این مقاله بر آن است تا در نگرشی نو به مفهوم توسعه روستایی، به تبیین و ارزشگذاری شاخص‌های آن در حیطه کیفیت زندگی، از بعد کیفی و عینی بپردازد و ضمن سنجش کیفیت زندگی سکونتگاه‌های روستایی بخش مرکزی در شهرستان دلفان، روش‌ها و مدل‌های مناسب رتبه‌بندی مراکز روستایی را با استفاده از تکنیک رتبه‌بندی کوپراس^۲ ارائه کند. تکنیک کوپراس، روشی برای تصمیم‌گیری چندمعیاره ساده است که معیارهای کمی و کیفی را با هم برای اولویت‌بندی گزینه‌ها به کار می‌گیرد و رتبه‌بندی کاملی از گزینه‌ها ارائه می‌دهد. در واقع، این مدل درجه اهمیت هر گزینه را تخمین می‌زند و براساس درصد نشان می‌دهد که یک گزینه چقدر بهتر یا بدتر است. بدین ترتیب، مقایسه‌ای کلی میان گزینه‌ها انجام می‌دهد.

مبانی نظری

در ۳۰ سال گذشته، تعریفی از کیفیت زندگی که به صورت عمومی و جامع، مورد پذیرش همگان باشد، ارائه نشده است. علاوه بر این، اغلب اصطلاح‌های دیگری مانند رفاه اجتماعی، خیر اجتماعی و توسعه انسانی یا اصطلاح‌های مشابه دیگر معادل کیفیت زندگی استفاده می‌شود؛ برای مثال، شاخص توسعه انسانی سازمان ملل متحد را اغلب برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی به کار می‌برند (برگر، ۲۰۰۰: ۲۵). کیفیت زندگی، حاصل کنش متقابل تعدادی از عوامل (فاکتورهای) متفاوت اجتماعی، سلامت، اقتصادی و شرایط طبیعی است و با روش‌هایی ناملموس، بر توسعه اجتماعی و انسانی در سطح فردی و اجتماعی تأثیر می‌گذارد (براون، ۲۰۰۳: ۲۵۰). تصور بر این است که رفاه اجتماعی، به جای اینکه با شاخص‌های کمی مانند درآمد و تولید اندازه‌گیری شود، با شاخص‌های اجتماعی اندازه‌گیری می‌شود (اینویس، ۲۰۰۹: ۱۵). اصطلاح کیفیت زندگی، تا اندازه‌ای مبهم است. در تعریف آن، از یک سو، کیفیت زندگی فردی به‌عنوان پنداشتی از چگونگی گذران فرد مطرح می‌شود و از سوی دیگر، به شکل کلی‌تر، کیفیت زندگی موقعیت‌های زندگی حول یک عامل را شامل می‌شود: موقعیت‌هایی نظیر محیط پیرامونی یا فرهنگ در یک جامعه معین (یانگ، ۲۰۰۸: ۱۲۱۰). کیفیت زندگی، گستردگی و انبساط آرزو است که از تجارب زندگی نشئت می‌گیرد (اشنایدر، ۱۹۷۶: ۳۰۱). کیفیت زندگی، مفهومی بسیار ذهنی و شخصی است که معمولاً براساس خوشحالی و رضایت فرد از عواملی بنا می‌شود که بر رفاه اجتماعی، روانی، جسمی و عملکرد وی تأثیر می‌گذارد (سیلز و دیگران، ۱۹۹۵: ۲۱۰). کاستانزا کیفیت زندگی را درجه رضایت در تجارب زندگی فرد می‌داند. وی ذکر می‌کند کیفیت زندگی، شامل رضایت از زندگی در تصور از خود و عوامل اجتماعی و اقتصادی است (کاستانزا و دیگران، ۲۰۰۸: ۱۳). منابع مکتوب مربوط به کیفیت زندگی نشان می‌دهد درباره

1. Eco village
2. KOPRAS

مفهوم کیفیت زندگی، تعاریف متعددی وجود دارد. این امر ممکن است ناشی از سه عامل مختلف باشد: ۱. چندبعدی بودن این مفهوم، ۲. کاربرد آن در حوزه‌های حرفه‌ای متفاوتی چون پزشکی، روان‌شناسی، جغرافیای انسانی، توسعه، اقتصاد و جامعه‌شناسی و ۳. سطح تحلیل که مربوط به عاملان، فرایندها، موقعیت‌ها یا ساختارهاست. با وجود این، می‌توان سه دوره زمانی را در بررسی مفهومی کیفیت زندگی شناسایی کرد: دوره اول از آغاز تا دهه ۱۹۷۰ میلادی: در این دوران، کیفیت زندگی اساساً معطوف به انگاره‌های مادی و پیامدهای رشد اقتصادی بود. دوره دوم از دهه ۱۹۷۰ تا دهه ۱۹۹۰: در این دوره، در نتیجه ظهور آثار مثبت رشد اقتصادی از یک سو و پیدایش نظریه توسعه پایدار از سوی دیگر، کیفیت زندگی، ابعاد و پنداشتی اجتماعی‌تر پیدا کرد و مسائلی مانند توزیع پیامدهای حاصل از رشد، حفظ منابع طبیعی و محیط‌زیست را دربرگرفت و به‌طور جدی، به‌عنوان هدف اصلی توسعه وارد مبحث برنامه‌ریزی شد. دوره سوم، دهه ۱۹۹۰ به بعد: این دوران، سرآغاز بحث درباره کیفیت زندگی اجتماعی با تأکید بر مفاهیم اجتماعی مانند سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی و عدالت اجتماعی بود (غفاری و دیگران، ۱۳۸۶، ۷). از اواخر دهه ۱۹۶۰، مفهوم کیفیت زندگی در قالب عناوینی چون عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی، زندگی همگانی، کیفیت محیط سکونت و... وارد ادبیات علوم جغرافیایی شد. در این میان، جغرافیدانان رادیکال و لیبرال، بیش از سایر مکاتب از این حوزه تأثیر پذیرفتند. جغرافیدانان به‌سرعت به مسائلی نظیر رفاه اجتماعی، نابرابری‌های شدید، فقر، شیوع امراض، نژادپرستی، قومیت‌گرایی، جرم و جنایت، امید به زندگی، آلونک‌نشینی و... توجه کردند و برای اولین بار، صدای بازندگان جوامع انسانی در علم جغرافیا طنین‌انداز شد (شکوئی، ۱۳۸۵: ۱۴۱). دیوید هاروی، اولین جغرافیدانی بود که در زمینه کیفیت زندگی و عدالت اجتماعی کتاب نوشت و در آن به خیر و صلاح همگانی، توزیع درآمدها، تأمین نیازهای اساسی و تخصیص عادلانه منابع، توجه اساسی کرد. دیوید اسمیت در سال ۱۹۷۷، با پرداختن به فرایند حاشیه‌ای شدن بعضی گروه‌های جامعه، شاخص‌های رفاه اجتماعی را بررسی کرد (همان: ۱۴۲). در واقع، این دو با گشودن عرصه‌ای نوین در پژوهش‌های جغرافیایی، به تأمین کیفیت مطلوب زندگی در تمامی فضاهای متنوع زیستی و عرصه‌های مکانی تأکید داشتند. علم جغرافیا در پژوهش‌های کیفیت زندگی، رویکرد فضایی اتخاذ می‌کند. بدین‌صورت که سطوح داشتن و نداشتن امکانات مورد نیاز و عوامل تهدیدکننده مکان‌ها و زندگی انسان‌ها بررسی می‌شود. توافقی عمومی در میان محققان کیفیت زندگی وجود دارد که از طریق یکپارچه کردن ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی، امکان به‌دست‌آوردن تصویر کامل‌تر و مفیدتری از کیفیت زندگی در مقیاس‌های گوناگون مکانی و زمانی وجود دارد؛ بنابراین، هر ارزیابی جامعی از کیفیت زندگی، باید دربرگیرنده جنبه‌های عینی و ذهنی باشد. سنجش کیفیت زندگی بدین‌شکل، از توان هر دو رویکرد برای رسیدن به اطلاعات قابل‌اطمینان‌تر درباره کیفیت زندگی استفاده می‌کند. همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، در تحلیل عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی انسان می‌توان زمینه‌ها و عوامل زیر را بررسی کرد:

جدول ۱. عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی انسان

عامل اول	توسعه کالبدی	این عامل، معمولاً بالاترین بارها را بر شاخص‌های قلمرو محیط فیزیکی نشان می‌دهد.
عامل دوم	رضایت از امکانات	این عامل، بالاترین بارها را بر شاخص‌های محیط اقتصادی دارد.
عامل سوم	سرمایه اجتماعی	این عامل، بالاترین بارها را بر شاخص‌های محیط اجتماعی دارد.
عامل چهارم	بهبودی ذهنی	این عامل، بالاترین بارها را با شاخص‌های امید به آینده، رضایت از موفقیت‌های زندگی و خشنودی دارد.
عامل پنجم	محیط محلی	این عامل، بالاترین بارها را بر شاخص‌های مسکن، محله و سلامت دارد.
عامل ششم	آرامش محیط زندگی	این عامل، بالاترین بارها را بر شاخص‌های محیط زندگی، آرامش و سکون دارد.

منبع: رضوانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۱

با این‌حال، برای ارائه تحلیلی منطقی از عوامل مؤثر بر رفاه اجتماعی و زندگی مطلوب، شناسایی معرف‌های مؤثر بر آن در چهار قالب مطرح‌شده بسیار مهم است؛ به‌نحوی که بنیانی را برای تحلیل راهبردی (استراتژیک) عوامل و شرایط موجود فضاهای روستایی همراه با مدل‌سازی کمی و کیفی آن در قالبی دینامیک ارائه می‌کند. هر مفهومی باید در قالبی علمی و عملی، به امور عینی و قابل‌مشاهده تبدیل شود تا به‌خوبی ارزیابی و تحلیل شود؛ بنابراین، تبیین کیفیت زندگی

شهری و روستایی با تأکید بر رفاه ساکنان شهر و روستاییان در قالب ارزیابی اقدام‌های انجام‌گرفته، نیازمند تشخیص و تعیین تمامی معرف‌هایی است که در این زمینه مطالعه شده‌اند. معرف‌ها در هر علمی، صفت‌هایی هستند که در یک تعریف اسمی یا تحلیلی و... واژه را توصیف می‌کنند و فضای مفهومی آن را مشخص می‌سازند. در این راستا، معرف‌های کیفیت زندگی روستایی در چهار بعد اصلی تعیین می‌شوند تا راحت‌تر بتوان به تجزیه و تحلیل آن‌ها پرداخت (جدول ۲).

جدول ۲. معرف‌های کیفیت زندگی روستایی

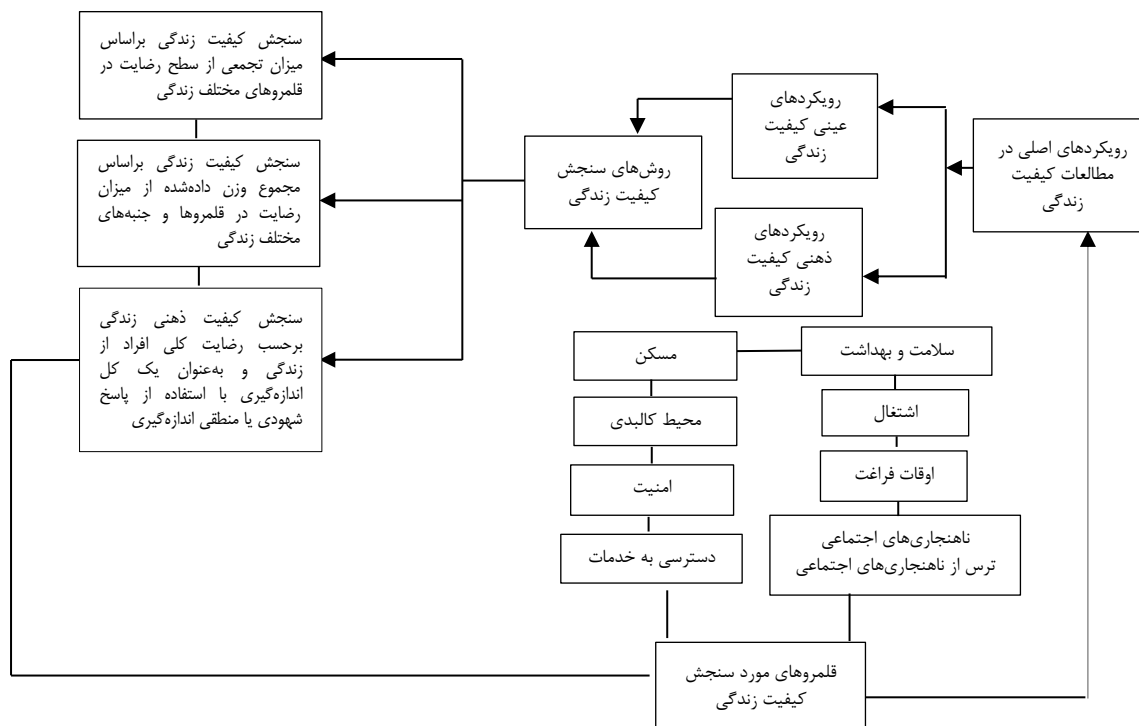
ابعاد اصلی	معرف‌ها
بعد اجتماعی	ابعاد اجتماعی و همچنین خود فضاها و نواحی شهری و روستایی، سرشار از تنوع‌اند؛ بنابراین، در بررسی‌ها هریک از معرف‌های اجتماعی، شکل ویژه‌ای به‌خود می‌گیرند. در اینجا، سعی شده است مجموعه اقدام‌هایی ملاک قرار گیرند که به بهبود کیفیت زندگی و افزایش رفاه (یا به‌عبارتی کاهش آسیب‌پذیری در حوزه اجتماعی شهرها و روستاها) منجر می‌شوند. اشتغال، امنیت عمومی، امکانات و تسهیلات اوقات فراغت، از جمله معرف‌های اجتماعی کیفیت زندگی شهری و روستایی به‌شمار می‌روند.
بعد اقتصادی	تأمین نیازهای اساسی و کاهش آسیب‌پذیری‌های اقتصادی در روستاها، با توجه به گستردگی دامنه فعالیت‌ها، ارتباط زیادی با تلاش‌ها و اقدام‌هایی دارد که سازمان‌های ذی‌ربط انجام می‌دهند. مهم‌ترین حوزه‌های آسیب‌پذیری اقتصادی کیفیت زندگی روستاییان را می‌توان در ابزارهای تولیدی و دارایی آن‌ها دانست. از مهم‌ترین معرف‌های حوزه اقتصادی می‌توان به توانمندسازی روستاییان در فعالیت خود، ارائه تسهیلات، دسترسی به بازار فروش و مصرف، توزیع و دسترسی به نهاده‌ها، بیمه محصولات و تولیدات و... اشاره کرد.
بعد کالبدی	مطرح‌شدن نظریه‌هایی درباره کیفیت مکان، به بهبود نگرش به ابعاد کالبدی بهزیستی شهری و روستایی منجر شد. از مهم‌ترین معرف‌های اقدام‌های اجرایی در مورد ابعاد کالبدی زندگی روستاییان می‌توان به ساخت مسکن جدید، نوسازی محیط مسکونی، تعمیر و احداث جاده، شبکه فاضلاب و محل‌های دفن زباله، آموزش‌های لازم محیطی و کالبدی، ارائه تسهیلات، طرح‌های بهسازی، زمینه‌های کالبدی و حوادث فیزیکی و کالبدی اشاره کرد.
بعد محیطی	پرداختن به ابعاد محیطی روستا، مهم‌ترین زمینه بحث در پژوهش‌های کیفیت زندگی روستایی است. با توجه به اینکه عوامل و ابعاد محیطی گسترده‌ای، به افزایش آسیب‌پذیری طبیعی در نقاط روستایی منجر می‌شود و بر سایر ابعاد نیز اثر می‌گذارد، می‌توان گفت ابعاد محیطی، بستر نامطلوب‌بودن کیفیت زندگی روستایی‌اند؛ بنابراین، به زیرساخت‌های محیطی در راستای توسعه پایدار در جهت ارتقای اکولوژی سالم، پیشگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی و تعادل بخشی به تعامل بین انسان و محیط توجه می‌شود. حفاظت از منابع طبیعی و مراتع، منابع آب، آموزش‌های لازم محیطی و زیست‌محیطی، حوادث طبیعی و محیطی، حراست از گونه‌های گیاهی و جانوری کمیاب و نایاب، اقدام‌های مربوط به شرایط اضطراری طبیعی، ارائه تسهیلات ضروری و الگوی مصرف سوخت و الگوی معیشت، از مهم‌ترین معرف‌های محیطی کیفیت زندگی روستایی هستند.

منبع: افتخاری و توکلی، ۱۳۸۲

معمول‌ترین شیوه برای سنجش کیفیت زندگی، توسعه شاخص‌های کیفیت زندگی است (پسیون، ۲۰۰۳: ۶۵). در بسیاری از کشورها، مجموعه‌هایی از شاخص‌ها برای سنجش و پایش کیفیت زندگی در سطوح ملی، منطقه‌ای، شهری و محلی ایجاد شده است. با در نظر گرفتن مقیاس ملی، منطقه‌ای، شهری یا محلی، هرگونه مطالعه ایده‌آل کیفیت زندگی، شامل دو مرحله اساسی است. مرحله اول، دربرگیرنده مبنای نظری مطالعه از طریق تعیین قلمروها و شاخص‌های کیفیت زندگی است. این مرحله، به‌طور عمده مرحله تعیین معیارهاست و به تهیه ابزار (مانند پرسشنامه و...) منتج می‌شود. مرحله دوم، مرحله‌ای است که در آن، پیمایش، جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل نتایج صورت می‌گیرد. این مرحله، به بحث و نتیجه‌گیری در مورد کیفیت زندگی در آن ناحیه منتج می‌شود (رضوانی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۱۰۸). در پژوهش‌های کیفیت زندگی، رویکردها اغلب به‌طور مجزا از یکدیگر و به‌ندرت در ترکیب با هم، برای سنجش کیفیت زندگی ساکنان سکونتگاه‌های انسانی به کار می‌روند.

به‌طور کلی، دو رویکرد اصلی در پژوهش‌های کیفیت زندگی وجود دارد: رویکرد عینی و رویکرد ذهنی. این رویکردها در اغلب موارد به‌طور مجزا و به‌ندرت به‌صورت تلفیقی، برای سنجش کیفیت زندگی به کار می‌روند. کیفیت زندگی در ابعاد ذهنی، ادراک و ارزیابی افراد را در زمینه وضعیت زندگی خود منعکس می‌سازد و با استفاده از شاخص‌های ذهنی اندازه‌گیری می‌شود. کیفیت ذهنی زندگی، به روش‌های مختلفی قابل اندازه‌گیری است. در یکی از مهم‌ترین روش‌ها، کیفیت ذهنی زندگی، میزان تجمعی از سطح رضایت در قلمروهای مختلف زندگی است. با این روش، زندگی به قلمروهای مختلفی تقسیم می‌شود و ترکیب میزان رضایت از هریک از قلمروها، کیفیت کلی زندگی را نشان می‌دهد. در روشی دیگر، می‌توان کیفیت زندگی را مجموع وزن داده‌شده از میزان رضایت در قلمروها و جنبه‌های مختلف زندگی

دانست. در روش دیگر، کیفیت ذهنی زندگی، برحسب رضایت کلی افراد از زندگی و به‌عنوان یک کل اندازه‌گیری می‌شود. در این روش، رضایت کلی از زندگی، معمولاً با استفاده از پاسخ شهودی یا منطقی اندازه‌گیری می‌شود. در روش شهودی، از افراد درمورد زندگی خود به‌عنوان یک کل پرسش می‌شود، اما در روش منطقی، ابتدا از افراد درمورد احساس خود از قلمروهای مختلف زندگی مانند مسکن، محیط طبیعی، امنیت، شغل، درآمد و... پرسش می‌شود و هنگامی که افراد پاسخ دادند، درمورد احساس آن‌ها به زندگی به‌عنوان یک کل، پرسش می‌شود. در نتیجه، آن‌ها می‌توانند با توجه به جنبه‌های مختلف زندگی پاسخی منطقی ارائه دهند. اندازه‌گیری هردو پاسخ شهودی و منطقی، به بررسی این موضوع کمک می‌کند که پس از توجه به قلمروهای مختلف زندگی، آیا تغییری در دیدگاه افراد درمورد احساس آن‌ها به زندگی وجود دارد (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۵۵). کیفیت عینی زندگی، با استفاده از شاخص‌های عینی مربوط به واقعیت‌های قابل مشاهده و ملموس زندگی اندازه‌گیری می‌شود. این شاخص‌ها از داده‌های ثانویه مانند تراکم جمعیت، میزان جرم، میزان تحصیلات، خصوصیات خانوار و... حاصل می‌شود. واقعیت بسیار مهم این است که کیفیت را نمی‌توان تنها از طریق شرایط عینی تعیین کرد؛ بلکه در نظر گرفتن بهزیستی ذهنی افراد نیز دارای اهمیت است. تو (۲۰۰۰: ۳۴) اظهار می‌کند شاخص‌های عینی، به‌تنهایی کیفیت واقعی زندگی را نمایش نمی‌دهند، زیرا این شاخص‌ها دارای پایایی بالا، اما قابلیت اطمینان پایین در ارزیابی بهزیستی انسانی هستند. توافقی عمومی در میان محققان کیفیت زندگی وجود دارد که از طریق یکپارچه کردن ابعاد عینی و ذهنی کیفیت زندگی، امکان به‌دست آوردن تصویر کامل‌تر و مفیدتری از کیفیت زندگی، در مقیاس‌های گوناگون مکانی و زمانی وجود دارد؛ بنابراین، هر ارزیابی جامعی از کیفیت زندگی، باید دربرگیرنده جنبه‌های عینی و ذهنی باشد. سنجش کیفیت زندگی بدین شکل، از توان هردو رویکرد برای رسیدن به اطلاعات قابل اعتماد و قابل اطمینان‌تر درباره کیفیت زندگی استفاده می‌کند. تشخیص علایق زندگی و چگونگی روابط بین آن‌ها که برای پیش‌بینی احساس مردم به کیفیت زندگی‌شان به‌کار می‌رود، باید در چارچوب مدلی فکری صورت گیرد. مدل‌های ساختاری گوناگونی برای تشریح این موضوع که چگونه افراد قلمروهای مختلف رضایتمندی را برای احساس کلی به کیفیت زندگی با هم ترکیب می‌کنند، پیشنهاد شده است (کردزنگنه، ۱۳۸۵: ۲۰).



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

روش پژوهش

این پژوهش از نوع کمی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای- اسنادی و پیمایش میدانی است. نخست برای شناسایی شاخص‌های سنجش کیفیت زندگی و نماگرهای مرتبط با آن‌ها با تأکید ویژه بر مناطق روستایی، از پژوهش‌های مربوط به حوزه تخصصی بهره‌گیری شد (جدول ۲). براین اساس، هشت قلمرو مطرح در این زمینه شناسایی شد و مبنای طراحی پرسشنامه به‌عنوان ابزار اصلی پژوهش در مطالعه‌های میدانی قرار گرفت (جدول ۳) که براساس آن، داده‌های مورد نیاز از محدوده مورد مطالعه گردآوری شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات اولیه، پیمایش نمونه در روستاهای دهستان نورآباد در سطح سرپرست خانوار انجام گرفته است. جامعه آماری، شامل خانوارهای ساکن در دهستان نورآباد است که با توجه به جمعیت این دهستان به‌طور متناسب پس از محاسبه کوکران به‌طور برابر از هر روستا ۱۵ نمونه انتخاب شد و در مجموع، در این مطالعه ۲۴۰ پرسشنامه تکمیل شد. داده‌های پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. برای سنجش کیفیت زندگی در دهستان نورآباد، برحسب پاسخ شهودی و منطقی، از آمار توصیفی استفاده شد. برای سنجش میزان رضایت از قلمروهای هشت‌گانه کیفیت زندگی در هر دهستان و سپس اولویت‌بندی روستاها برحسب میزان رضایت از این قلمروهای هشت‌گانه کیفیت زندگی، از طیف لیکرت شش مقیاسی استفاده شد که در آن، عدد یک نمود نارضایتی کامل و عدد شش به معنای رضایت کامل است. میانگین نمرات برای هر روستا، ماتریس وضعیت موجود ما را تشکیل داده است. در پژوهش حاضر، با توجه به ادبیات تحقیق، داده‌های در دسترس و ویژگی‌های محدوده مطالعاتی، قلمروها و معرف‌های زیر برای مطالعه برگزیده شدند. پرسشنامه حاوی پرسش‌هایی در مورد مؤلفه‌های کیفیت زندگی است که تعدادی از این پرسش‌ها جهتی مثبت دارند؛ مانند کیفیت مناسب مسکن و تعدادی نیز دارای جهت منفی هستند؛ مانند کیفیت نامناسب سیستم‌های جمع‌آوری و دفع زباله و مشکل‌های محیطی (جدول ۳).

جدول ۳. قلمروها و معیارهای قابل‌سنجش برای اولویت‌بندی کیفیت زندگی

Z	معرف‌های کیفیت زندگی	قلمرو
+	کیفیت مسکن از نظر مصالح به‌کاررفته	مسکن
+	تجهیزات و امکانات مسکن مانند حمام و دستشویی بهداشتی	
+	رضایت از تعداد افراد خانوار نسبت به مساحت مسکن	
+	رضایت از تعداد اتاق‌ها نسبت به مسکن به تعداد افراد خانوار	
+	رضایت از جزئیات و متعلقات مسکن	
+	جمع‌آوری و دفع زباله	محیط کالبدی
+	کیفیت معابر	
+	روشنایی محله	
-	مشکل‌های محیطی	
+	جایگاه دفن زباله و فضولات حیوانی	دسترسی به خدمات
+	دسترسی به امکانات حمل‌ونقل عمومی	
+	دسترسی به انواع فروشگاه‌ها برای تأمین مایحتاج زندگی	
+	دسترسی به جایگاه‌های تأمین سوخت	
+	دسترسی به امکانات آموزشی	
+	دسترسی به امکانات پستی و مخابراتی	
+	وضعیت راه‌های ارتباطی	امنیت
-	افزایش سرقت اموال و احشام	
-	درگیری‌های قومی و قبیله‌ای	سلامت و بهداشت
+	میزان مصرف مواد پروتئینی (گوشت قرمز و ماهی) در برنامه	
+	میزان مصرف میوه و سبزیجات در برنامه غذایی	

ادامه جدول ۳. قلمروها و معیارهای قابل‌سنجش برای اولویت‌بندی کیفیت زندگی

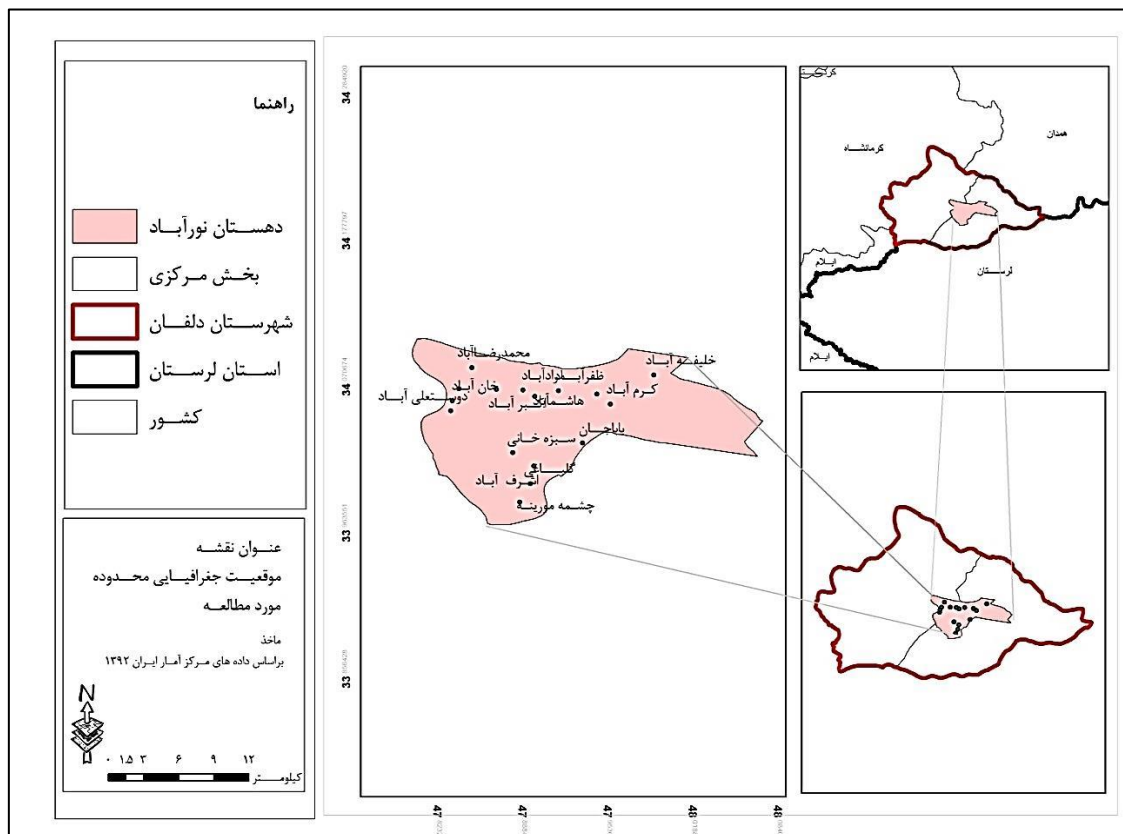
z	معرف‌های کیفیت زندگی	قلمرو
+	دسترسی به امکانات و خدمات بهداشتی-درمانی	
+	دسترسی به فرصت‌های شغلی	
+	میزان رضایت شغلی	شغل
+	وضعیت امنیت شغلی	
+	دسترسی به امکانات ورزشی	
+	دسترسی به امکانات فرهنگی و هنری	
+	توانایی انجام مسافرت‌های تفریحی و سیاحتی-زیارتی	اوقات فراغت
+	دسترسی به کتابخانه، روزنامه و نشریات	
+	احساس تعلق خاطر به روستا	
+	روابط صمیمانه با همسایه‌ها	
+	امید به آینده	ترس از ناهنجاری‌های اجتماعی
-	تأثیر بعضی از جنبه‌های منفی فرهنگ شهری (نوع پوشش، استفاده از کالاهای لوکس، استفاده از ماهواره)	
-	افزایش طلاق	
-	مصرف مواد مخدر	

منبع: جانگ لی، ۲۰۰۸، رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸، افتخاری و همکاران، ۱۳۹۰، سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۲

شهرستان دلفان، بین ۴۷ درجه و ۵۸ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۴ درجه و ۴۰ دقیقه عرض جغرافیایی در شمال استان لرستان واقع شده و از طرف شمال شرقی به همدان، از طرف شمال غربی و غرب به استان کرمانشاه، از سمت شرق به استان نهاوند، از سمت جنوب غربی به شهرستان کوهدشت و از سمت جنوب شرقی به شهرستان سلسله محدود شده است. این شهرستان از یک شهر و دو بخش و ده دهستان تشکیل شده است، اما بخش مرکزی شامل شش دهستان (خاوه شمالی، خاوه جنوبی، میربگ شمالی، میربگ جنوبی و دهستان نورآباد) است. محدوده مورد مطالعه ما، دهستان نورآباد، در این بخش قرار دارد که کمترین فاصله را از میان سایر دهستان‌ها به مرکز شهرستان دارد. نقشه ۱ موقعیت دهستان مورد مطالعه را در استان و شهرستان نشان می‌دهد. مرکز این دهستان، روستای ظفرآباد با جمعیت ۵۶۷ نفر است. دهستان نورآباد ۴۸ روستا دارد که از میان این روستاها، ۴۵ روستا دارای سکنه و ۳ روستا خالی از سکنه هستند. هریک از روستاهای مورد مطالعه، جمعیت آن‌ها و همچنین تعداد نمونه انتخاب‌شده از هر روستا در جدول ۴ ذکر می‌شود.

جدول ۴. روستاهای مورد مطالعه از دهستان نورآباد

ردیف	نام روستا	تعداد خانوار	جمعیت	تعداد نمونه	ردیف	نام روستا	تعداد خانوار	جمعیت	تعداد نمونه
۱	ظفرآباد	۱۴۲	۵۶۷	۱۵	۹	کریم‌آباد	۶۲	۲۷۲	۱۵
۲	هاشم‌آباد	۶۱	۲۲۸	۱۵	۱۰	گل باغی	۹۵	۳۸۵	۱۵
۳	مرادآباد	۶۳	۲۷۶	۱۵	۱۱	شرف‌آباد	۵۸	۲۹۴	۱۵
۴	اکبرآباد	۱۸۸	۸۰۱	۱۵	۱۲	دوستعلی‌آباد	۱۹۰	۷۰۴	۱۵
۵	حسین‌آباد	۲۱	۸۷	۱۵	۱۳	باباجان	۱۵	۵۰	۱۵
۶	سبزه‌خانی	۱۷	۷۹	۱۵	۱۴	کرم‌آباد	۶۳۹	۱۵۵	۱۵
۷	خلیفه‌آباد	۱۴۴	۵۵۱	۱۵	۱۵	چشمه مورینه	۹۸	۳۷۵	۱۵
۸	محمدرضاآباد	۲۶	۱۲۰	۱۵	۱۶	خان‌آباد	۱۱۲	۴۲۱	۱۵



شکل ۲. موقعیت روستاهای دهستان نورآباد

بحث و یافته‌ها

همان‌گونه که در بخش مبانی نظری اشاره شد، یکی از روش‌های سنجش کیفیت زندگی، استفاده از پاسخ شهودی و منطقی افراد است؛ یعنی کیفیت زندگی برحسب رضایت کلی افراد و به‌عنوان یک کل اندازه‌گیری می‌شود که در این روش، رضایت کلی از زندگی معمولاً با استفاده از پاسخ شهودی یا منطقی اندازه‌گیری می‌شود. در روش شهودی، از افراد درمورد زندگی به‌عنوان یک کل پرسش می‌شود، اما در روش منطقی، ابتدا از افراد درمورد احساسشان از قلمروهای مختلف زندگی مانند مسکن، محیط طبیعی، امنیت، شغل، درآمد و... پرسش می‌شود و هنگامی که به این پرسش‌ها پاسخ دادند، درمورد احساس آن‌ها به زندگی به‌عنوان یک کل پرسش می‌شود. در نتیجه، آن‌ها می‌توانند پاسخی منطقی با توجه به جنبه‌های مختلف زندگی ارائه دهند. اندازه‌گیری هر دو پاسخ شهودی و منطقی، به بررسی این موضوع کمک می‌کند که پس از توجه به قلمروهای مختلف زندگی، آیا تغییری در دیدگاه افراد درمورد احساس آن‌ها به زندگی وجود دارد. به‌همین منظور، در این پژوهش دو پرسش در پرسشنامه مطرح شد. پرسش اول، کیفیت زندگی شهودی پاسخ‌دهندگان را ارزیابی کرد. در این پرسش، از پاسخ‌دهندگان خواسته شد که بدون هیچ زمینه ذهنی، میزان رضایت خود را از کیفیت زندگی بیان کنند. در ادامه، در زمینه رضایت افراد از قلمروهای مختلف زندگی پرسش شد و پس از ذکر قلمروهای زندگی و ایجاد زمینه فکری برای مخاطبان، از آن‌ها خواسته شد که با در نظر گرفتن تمام قلمروها، میزان رضایت خود را اعلام کنند. پاسخ‌ها به این پرسش، واقعی‌تر و قابل‌اعتمادتر از پاسخ‌هایی بود که به پرسش نخست داده شد. جدول ۵، آماره‌های توصیفی مربوط به کیفیت زندگی در دهستان نورآباد را نشان می‌دهد.

جدول ۵. رضایت از کیفیت زندگی ساکنان روستاهای دهستان نورآباد، برحسب پاسخ شهودی و منطقی

گزینه‌ها	معیارها	کیفیت زندگی شهودی					کیفیت زندگی منطقی						
		کاملاً ناراضی	کاملاً ناراضی	کاملاً ناراضی	کاملاً ناراضی	کاملاً ناراضی	کاملاً ناراضی	کاملاً ناراضی	کاملاً ناراضی	کاملاً ناراضی	کاملاً ناراضی		
ظفرآباد		۳۷/۵	۲۷/۷	۱۴/۲	۱۴/۸	۳/۳	۲/۵	۴۵/۱	۳۳/۸	۱۳/۲	۵/۶	۱/۲	۱/۱
هاشم‌آباد		۴۱/۹	۲۵/۸	۲۰/۱	۹/۴	۱/۷	۱/۱	۵۷/۳	۳۳/۴	۶/۲	۲/۵	۰/۴	۰/۲
مرادآباد		۴۰/۵	۲۷/۵	۱۶/۸	۱۰/۲	۲/۸	۱/۲	۴۸/۶	۳۲/۴	۱۲/۴	۴/۹	۰/۸	۰/۹
اکبرآباد		۳۶/۴	۲۷/۳	۱۵/۲	۱۴/۹	۳/۹	۲/۳	۴۳/۲	۳۲/۱	۱۵/۶	۶/۲	۱/۱	۱/۸
حسین‌آباد		۴۱/۵	۲۵/۱	۱۴/۲	۱۴/۸	۳/۳	۲/۵	۵۱/۷	۳۲/۴	۱۰/۶	۴/۲	۰/۶	۰/۵
سبزه‌خانی		۴۱/۸	۲۵/۸	۱۹/۹	۹/۵	۱/۹	۱/۱	۵۵/۴	۳۱/۴	۹/۳	۳/۱	۰/۵	۰/۳
خلیفه‌آباد		۳۵/۵	۲۵/۵	۱۵/۱	۱۵/۶	۵/۲	۳/۱	۴۰/۲	۳۰/۱	۱۵/۱	۱۰/۴	۲/۱	۲/۱
محمدرضآباد		۴۱/۷	۲۵/۱	۱۹/۸	۱۰/۱	۲/۱	۱/۲	۵۴/۷	۳۱/۶	۹/۳	۳/۴	۰/۶	۰/۴
کریم‌آباد		۳۸/۲	۲۵/۱	۱۹/۴	۱۲/۳	۳/۱	۱/۹	۴۹	۳۱/۷	۱۳/۲	۴/۶	۰/۹	۰/۶
گل‌باغی		۳۹/۶	۲۷/۹	۱۶/۷	۱۱/۸	۲/۲	۱/۸	۴۶/۳	۳۳/۵	۱۳/۱	۵/۲	۱	۰/۹
شرف‌آباد		۴۰/۱	۲۸/۱	۱۶/۶	۱۱/۶	۲/۱	۱/۵	۴۸/۲	۳۳/۷	۱۱/۲	۵/۱	۰/۹	۰/۹
دوستعلی‌آباد		۳۷/۵	۲۷/۷	۱۴/۲	۱۴/۸	۳/۳	۲/۵	۵۴/۱	۳۳/۸	۱۳/۲	۵/۶	۱/۲	۱/۱
باباجان		۴۱/۵	۲۵/۱	۱۹/۷	۱۰/۱	۲/۳	۱/۳	۵۱/۷	۳۲/۴	۱۰/۵	۴/۳	۰/۶	۰/۵
کرم‌آباد		۴۱/۷	۲۵/۲	۱۹/۸	۹/۹	۲/۲	۱/۲	۵۲/۱	۳۳/۱	۱۰/۱	۳/۶	۰/۷	۰/۴
چشمه‌مورینه		۴۱/۴	۲۴/۹	۱۷/۶	۱۰/۸	۲/۶	۲/۷	۵۰/۴	۳۲/۳	۱۱/۶	۴/۴	۰/۸	۰/۵
خان‌آباد		۴۱/۳	۲۴/۴	۱۹/۱	۱۱/۱	۲/۵	۱/۶	۵۰/۱	۳۲/۱	۱۱/۷	۴/۸	۰/۷	۰/۶
میانکین		۳۹/۸۸	۲۴/۵۶	۱۷/۴	۱۱/۹۸	۲/۷۸	۱/۷۸	۴۹/۸۸	۳۲/۴۸	۱۰/۲۰	۲/۶۱	۰/۷۸	۰/۷۶

منبع: نگارندگان

در گام اول، برای سنجش و اولویت‌بندی کیفیت زندگی در روستاهای دهستان نورآباد، هشت قلمرو شامل مسکن، محیط کالبدی، دسترسی به خدمات، امنیت، سلامت و بهداشت، شغل، اوقات فراغت و ترس از ناهنجاری‌های اجتماعی به کار گرفته شدند. گویه‌های مربوط به هر یک از قلمروهای کیفیت زندگی، مطابق با جدول ۶ از طریق طیف لیکرت اندازه‌گیری شدند و میانگین هر شاخص مطابق با خانوارهای نمونه هر روستا، مبنایی برای تشکیل ماتریس وضع موجود ارزیابی سطح کیفیت زندگی و اولویت‌بندی روستاهای مورد مطالعه، به شمار آمد.

جدول ۶. ماتریس وضع موجود، براساس میزان رضایت از قلمروهای کیفیت زندگی در روستاهای دهستان نورآباد

گزینه‌ها	معیارها	مسکن	محیط کالبدی	دسترسی به خدمات	امنیت	سلامت و بهداشت	شغل فراغت	ترس از رواج ناهنجاری‌های اجتماعی
ظفرآباد		۳/۵۹	۲/۸۰	۳/۲۰	۲/۱۰	۳/۱۵	۲/۱۰	۲/۷۵
هاشم‌آباد		۳/۴۰	۲/۴۵	۳/۱۵	۳/۱۰	۳/۱۰	۲/۲۰	۲/۶۰
مرادآباد		۳/۶۰	۲/۶۰	۳/۱۰	۲/۵	۳/۲۵	۲/۱۳	۲/۸۰
اکبرآباد		۴/۵	۲/۷۰	۳/۹۰	۲/۵۵	۳/۷۰	۲/۳۴	۲/۵۰
حسین‌آباد		۲/۵۰	۲/۱۰	۲/۵۰	۲/۴۰	۲/۵۰	۲/۲۱	۲/۳۰
سبزه‌خانی		۲/۵۵	۲/۵	۲/۳۰	۲/۶۰	۲/۲۰	۲	۲/۵
خلیفه‌آباد		۴/۱۰	۲/۸۵	۳/۷۵	۳	۳/۵۶	۲/۶۰	۳
محمدرضآباد		۲/۷۰	۲/۵۰	۲/۶۵	۲/۵۰	۲/۳۵	۲/۱۵	۲/۴۵
کریم‌آباد		۳/۵۵	۲/۵۰	۳/۵۰	۲/۶۰	۳/۴۵	۲/۵۰	۲/۸۰
گل‌باغی		۳/۴۵	۲/۳۰	۲/۱۵	۲/۴۰	۳/۱۵	۲/۴۰	۲/۲۵
شرف‌آباد		۳/۲۰	۲/۲۵	۲/۱۰	۲/۳۰	۳/۱۰	۲/۴۵	۲/۳۰
دوستعلی‌آباد		۴/۱۰	۲/۸۰	۳/۷۰	۳	۳/۶۵	۲/۷۰	۲/۷۰
باباجان		۲/۴۵	۲/۲۰	۳/۱۰	۲/۸۰	۳	۲/۸۰	۲/۷۰
کرم‌آباد		۲/۹۰	۲/۱۰	۲/۸۰	۲/۷۵	۳	۲/۶۰	۲/۴۵
چشمه‌مورینه		۳/۲۰	۲/۱۵	۲/۱۰	۲/۵۵	۳/۱۰	۲/۱۵	۲/۳۰
خان‌آباد		۴	۲/۹۰	۳/۱۵	۳/۱۰	۳/۲۵	۲/۵۰	۲/۴۵

منبع: نگارندگان

در گام دوم، پس از تشکیل ماتریس وضع موجود به منظور نرمالیزه کردن ماتریس وضع موجود، ابتدا باید وزن‌دهی معیارها صورت می‌گرفت. در این تحقیق، از روش وزن‌دهی آنتروپی شانون استفاده شد. نتایج وزن‌دهی در جدول ۵ آمد. آنتروپی مفهومی عمده در علوم فیزیکی، علوم اجتماعی و... است؛ به طوری که نشان‌دهنده میزان نبود اطمینان از محتوای اطلاعاتی مورد انتظار از یک پیام است؛ به بیان دیگر، آنتروپی در تئوری اطلاعات، معیاری است برای میزان نبود اطمینان بیان‌شده توسط یک توزیع احتمال گسسته که این نبود اطمینان به صورت زیر تشریح می‌شود:

$$E = -k \sum_{i=1}^n [p_i \times \ln p_i] \quad (1)$$

که K یک عدد ثابت مثبت است و به گونه‌ای تعیین می‌شود که داشته باشیم: $0 \leq E \leq 1$. از توزیع احتمال p_i براساس سازوکار (مکانیسم) آماری محاسبه می‌شود. ماتریس تصمیم‌گیری، از مدل‌های چندشاخصه، حاوی اطلاعاتی است که آنتروپی را می‌توان به عنوان معیاری برای ارزیابی آن به کار برد. محتوای اطلاعاتی این ماتریس، ابتدا به صورت p_{ij} در زیر محاسبه می‌شود:

$$p_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sum r_{ij}} \quad \forall i, j \quad (2)$$

و آنتروپی شاخص E_j نیز به صورت تابع زیر محاسبه می‌شود:

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [P_{ij} \ln P_{ij}]; \forall i \quad (3)$$

میزان نبود اطمینان یا درجه انحراف (d_j) نیز از تابع زیر به دست می‌آید:

$$d_j = 1 - E_j; \forall i \quad (4)$$

آن‌گاه همان‌طور که بیان شد، می‌توان میزان وزن شاخص‌ها را با استفاده از تابع زیر به دست آورد (پورطاهری، ۱۳۸۹: ۸۸):

$$W_j = \frac{d_j}{\sum_{j=1}^n d_j}; \forall i \quad (5)$$

وزن هر یک از معیارهای کیفیت زندگی در جدول ۷ آمده است.

جدول ۷. وزن معیارهای به دست آمده از طریق آنتروپی شانون

ردیف	معیار	Z	وزن	ردیف	معیار	Z	وزن
۱	مسکن	+	۰/۱۴۲	۵	سلامت و بهداشت	+	۰/۱۳۳
۲	محیط کالبدی	+	۰/۱۲۳	۶	شغل	+	۰/۱۴۵
۳	دسترسی به خدمات	+	۰/۱۳۳	۷	اوقات فراغت	+	۰/۱۰۹
۴	امنیت (جرم)	-	۰/۱۱۴	۸	ترس از رواج ناهنجاری‌های اجتماعی	-	۰/۰۹۷

منبع: نگارندگان

در گام سوم، پس از محاسبه وزن معیارها، نرمالیزه کردن ماتریس وضع موجود براساس رابطه زیر است. q_i برابر است با وزن هریک از معیارها که از روش آنتروپی شانون محاسبه شد و $\sum X_{ij}$ برابر با مجموع معیارها برای هر گزینه است.

$$d_{ij} = \frac{q_i}{\sum_{j=1}^n x_{ij}} x_{ij} \quad (6)$$

جدول ۸. ماتریس نرمالیزه‌شده شاخص‌های کیفیت زندگی

گزینه‌ها	معیارها	مسکن	محیط کالبدی	دسترسی به خدمات	امنیت	سلامت و بهداشت	شغل	اوقات فراغت	ترس از رواج ناهنجاری‌های اجتماعی
ظفرآباد	۰/۰۲۳	۰/۰۱۵	۰/۰۱۹	۰/۰۱۱	۰/۰۱۷	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۱۲
هاشم‌آباد	۰/۰۲۲	۰/۰۱۳	۰/۰۱۹	۰/۰۱۶	۰/۰۱۷	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۱۲	۰/۰۱۱
مرادآباد	۰/۰۲۳	۰/۰۱۴	۰/۰۱۸	۰/۰۱۳	۰/۰۱۸	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲
اکبرآباد	۰/۰۲۶	۰/۰۱۳	۰/۰۲۱	۰/۰۱۲	۰/۰۱۸	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۱۲	۰/۰۱۰
حسین‌آباد	۰/۰۲۰	۰/۰۱۴	۰/۰۱۹	۰/۰۱۵	۰/۰۱۶	۰/۰۱۷	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲
سبزه‌خانی	۰/۰۱۹	۰/۰۱۶	۰/۰۱۸	۰/۰۱۵	۰/۰۱۵	۰/۰۱۶	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱۲
خلیفه‌آباد	۰/۰۲۸	۰/۰۱۶	۰/۰۲۲	۰/۰۱۶	۰/۰۲۰	۰/۰۱۷	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۱۳
محمدرضآباد	۰/۰۲۰	۰/۰۱۶	۰/۰۱۸	۰/۰۱۴	۰/۰۱۵	۰/۰۱۶	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	۰/۰۱۲
کریم‌آباد	۰/۰۲۲	۰/۰۱۳	۰/۰۱۹	۰/۰۱۳	۰/۰۱۸	۰/۰۱۵	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲	۰/۰۱۱
گل‌باغی	۰/۰۲۵	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۱۳	۰/۰۱۹	۰/۰۱۷	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲	۰/۰۱۰
شرف‌آباد	۰/۰۲۳	۰/۰۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۱۳	۰/۰۱۹	۰/۰۱۸	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲	۰/۰۱۱
دوستعلی‌آباد	۰/۰۲۴	۰/۰۱۴	۰/۰۱۹	۰/۰۱۳	۰/۰۱۸	۰/۰۱۵	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲	۰/۰۱۰
باباجان	۰/۰۱۷	۰/۰۱۳	۰/۰۱۹	۰/۰۱۵	۰/۰۱۷	۰/۰۱۹	۰/۰۱۳	۰/۰۱۳	۰/۰۱۲
کرم‌آباد	۰/۰۲۰	۰/۰۱۲	۰/۰۱۸	۰/۰۱۵	۰/۰۱۸	۰/۰۱۸	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱
چشمه‌مورینه	۰/۰۲۴	۰/۰۱۳	۰/۰۱۴	۰/۰۱۵	۰/۰۱۹	۰/۰۱۶	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲	۰/۰۱۱
خان‌آباد	۰/۰۲۴	۰/۰۱۵	۰/۰۱۷	۰/۰۱۵	۰/۰۱۷	۰/۰۱۵	۰/۰۱۲	۰/۰۱۲	۰/۰۱

منبع: نگارندگان

در گام چهارم، پس از نرمالیزه کردن معیارها، محاسبه $\sum S_j^+$ و $\sum S_j^-$ انجام گرفت. بدین منظور برای هر گزینه، شاخص‌های مثبت و منفی را جداگانه محاسبه کردیم.

$$\sum = S_j^+$$

$$\sum = S_j^-$$

گام پنجم، محاسبه Q_j براساس معیارهای مثبت و معیارهای منفی از طریق رابطه زیر است.

$$Q_j = S_j^+ + \frac{S_{\min}^- \sum_j^n = 1 S_j^- x}{S_j^- \sum_j^n = 1 \frac{S_{\min}^-}{S_j^-}} = S_j^+ + \frac{\sum_j^n = 1 S_j^-}{S_j^- \sum_j^n = 1 \frac{1}{S_j^-}} \quad (7)$$

گام نهایی، مشخص کردن آترناتیوی است که بهترین وضعیت را در بین معیارها دارد. هرچقدر مقدار Q_j یک گزینه بالاتر باشد، مقدار N_j آن نیز بالاتر است. این مقدار به صورت درصد بیان می‌شود؛ یعنی مقدار کلی آن از ۰ تا ۱۰۰ محاسبه می‌شود.

$$N_j = \frac{Q_j}{Q_{\max}} \times 100 \quad (8)$$

رتبه‌بندی، براساس مقدار Q_j صورت می‌گیرد؛ یعنی روستاهایی با بالاترین مقدار Q_j و N_j ، بالاترین کیفیت زندگی را براساس هشت قلمروی کیفیت زندگی دارند و درمقابل، روستاهایی با کمترین مقدار Q_j ، پایین‌ترین کیفیت زندگی را در مقایسه با سایر روستاها دارند. همان‌گونه که جدول ۹ نشان می‌دهد، روستای خلیفه‌آباد بالاترین میزان رضایت از کیفیت زندگی و روستای هاشم‌آباد کمترین میزان رضایت از کیفیت زندگی را داشته است.

جدول ۹. نتایج ارزیابی مدل کوپراس برای رتبه‌بندی میزان رضایت ساکنان روستاهای دهستان نورآباد از کیفیت زندگی

رتبه	N_j	Q_j	S_j^-	S_j^+	گزینه‌ها
۳	۹۳/۴۷	-۰/۱۲۹	-۰/۰۲۳	-۰/۱۰۲	ظفرآباد
۱۴	۷۱/۰۱	-۰/۰۹۸	-۰/۰۲۷	-۰/۰۹۷	هاشم‌آباد
۶	۸۹/۸۵	-۰/۱۲۴	-۰/۰۲۵	-۰/۰۹۹	مرادآباد
۲	۹۵/۶۵	-۰/۱۳۲	-۰/۰۲۲	-۰/۱۰۴	اکبرآباد
۱۰	۸۷/۸۹	-۰/۱۲۱۳	-۰/۰۲۷	-۰/۰۹۸	حسین‌آباد
۱۳	۸۶/۲۳	-۰/۱۱۹	-۰/۰۲۶	-۰/۰۹۵	سبزه‌خانی
۱	۱۰۰	-۰/۱۳۸	-۰/۰۲۹	-۰/۱۱۷	خلیفه‌آباد
۱۲	۸۶/۹۵	-۰/۱۲۰	-۰/۰۲۶	-۰/۰۹۶	محمدرضآباد
۷	۹۰/۷۹	-۰/۱۲۵۳	-۰/۰۲۴	-۰/۰۹۹	کریم‌آباد
۴	۹۲/۷۵	-۰/۱۲۸	-۰/۰۲۳	-۰/۱۰۱	گل‌باغی
۵	۹۱/۳۰	-۰/۱۲۶	-۰/۰۲۴	-۰/۱	شرف‌آباد
۳	۹۳/۴۷	-۰/۱۲۹	-۰/۰۲۳	-۰/۱۰۲	دوستعلی‌آباد
۱۰	۸۷/۸۹	-۰/۱۲۱۳	-۰/۰۲۷	-۰/۰۹۸	باباجان
۱۱	۸۷/۷۵	-۰/۱۲۱۱	-۰/۰۲۶	-۰/۰۹۷	کرم‌آباد
۹	۸۸/۴۰	-۰/۱۲۲	-۰/۰۲۶	-۰/۰۹۸	چشمه‌مورینه
۸	۹۰/۵۷	-۰/۱۲۵۲	-۰/۰۲۵	-۰/۱	خان‌آباد

منبع: نگارندگان

نتیجه‌گیری

امروزه کیفیت زندگی، یکی از مفاهیم بنیادی مورد قبول در بررسی شرایط زندگی جوامع مختلف است؛ به گونه‌ای که هدف تمامی برنامه‌ها در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی، بهبود کیفیت زندگی افراد، گروه‌ها و اجتماع‌هاست (سلیمانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۷۱). بدین منظور، براساس ادبیات پژوهشی در زمینه سنجش و اولویت‌بندی کیفیت زندگی، با تأکید ویژه بر مناطق روستایی، ۳۴ گویه در قالب هشت قلمرو مسکن، محیط کالبدی، دسترسی به خدمات، امنیت، سلامت و بهداشت، شغل، اوقات فراغت و ترس از ناهنجاری‌های اجتماعی، طراحی و در چارچوب مدل تصمیم‌گیری کوپراس بررسی شد. از نتایج این‌گونه استنباط می‌شود که روستاهای دهستان نورآباد، وضعیتی متفاوت به لحاظ کیفیت زندگی دارند. همان‌گونه که جدول ۹ نشان می‌دهد، براساس هشت قلمرو کیفیت زندگی، روستاهای خلیفه‌آباد، دوستعلی‌آباد و ظفرآباد، بالاترین سطح کیفیت زندگی را دارند. در مقابل، روستاهای هاشم‌آباد، سبزه‌خانی و محمدرضآباد، دارای پایین‌ترین سطح کیفیت زندگی از دید جامعه نمونه‌اند. در مجموع، روستاهای خلیفه‌آباد، اکبرآباد و ظفرآباد، به ترتیب در زمینه کیفیت زندگی وضعیت بهتری دارند. بر پایه بررسی‌ها و مشاهده‌های پژوهش، این وضعیت در نتیجه برخورداری این روستاها از جمعیت بیشتر نسبت به سایر روستاها، دسترسی به خدمات مناسب‌تر و موقعیت بهتر نسبت به مرکز شهرستان است؛ به طوری که در مجموع، شرایط مناسب‌تری دارند و در نتیجه، ساکنان این روستاها رضایتمندی بیشتری دارند. روستاهای یادشده، در مواردی مانند مسکن، محیط کالبدی خدمات آموزشی، خدمات بهداشتی و درمانی، خدمات ارتباطی، خدمات حمل‌ونقل عمومی، خدمات مالی و اعتباری بانک‌ها، برخورداری از انواع زیرساخت‌ها مانند برق و آب آشامیدنی و خدمات فرهنگی، وضعیت مناسب‌تری در مقایسه با ساکنان دیگر روستاها دارند. در نتیجه، احساس تعلق مکانی و امید به آینده و خوش‌بینی برای فراهم‌شدن یک زندگی خوب در آینده و همچنین احساس خوشبختی افراد از روند پیشرفت و زندگی در روستا، نسبت به روستاهای دیگر بیشتر است؛ در مقابل، جدول ۱۱ نشان می‌دهد روستاهای هاشم‌آباد، سبزه‌خانی و محمدرضآباد، به لحاظ قلمروهای کیفیت زندگی، پایین‌ترین رتبه رضایت از کیفیت زندگی را کسب کرده‌اند. این روستاها- همان‌گونه که جدول ۵ نشان می‌دهد- جمعیت کمتری نسبت به روستاهای دیگر دارند. ساکنان این روستاها، از بسیاری از امکانات و زیرساخت‌های بالا محروم‌اند. همچنین، رضایتمندی از وضعیت اشتغال و درآمد در این روستاها، در سطح پایینی قرار دارد. به همین دلیل، امید به آینده برای فراهم‌شدن یک زندگی خوب بسیار پایین است؛ به گونه‌ای که بسیاری از جوانان مجبور به مهاجرت و ترک روستاها شده‌اند و این مسئله به برهم‌خوردن تعادل جمعیتی در این روستاها منجر شده است؛ به گونه‌ای که جمعیت بیشتر این روستاها را سالخوردگان تشکیل می‌دهد. سرانجام در یک نتیجه‌گیری

روشن از فرایند این پژوهش، می‌توان گفت در فرایند توسعه پایدار، نقش ارتقای کیفیت زندگی در تحقق اهداف توسعه پایدار روستایی، اهمیت بسیار بالایی دارد. از نظر اجتماعی، توسعه هنگامی پایدار می‌ماند که شرایط زندگی با کیفیت را برای همه مردم فراهم سازد (های‌تونن، ۲۰۰۱: ۱۶). در پایان، با توجه به مجموعه یافته‌های پژوهش و به‌منظور دستیابی به پایداری اجتماعی در محدوده مورد مطالعه، پیشنهادهای زیر ممکن است راهگشا باشد:

- افزایش انگیزه ماندگاری جمعیت روستایی، از طریق تقویت بنیان‌های معیشتی مردم محلی، با تأکید ویژه بر ایجاد اشتغال مناسب برای جوانان و افراد جویای کار؛
- توسعه خدمات اجتماعی در سطح روستاهای مورد مطالعه، به‌ویژه در زمینه خدمات بهداشتی و درمانی (درمانگاه و پزشک)، آموزشی - فرهنگی (مدرسه، کتاب، کتابخانه، خانه‌های فرهنگ و ...) و دسترسی آسان به این مراکز؛
- توسعه کمی و کیفی انواع زیرساخت‌های سکونتگاهی و ارتباطی و همچنین ارتقای سطح دسترسی مردم به انواع امکانات؛
- ایجاد امکانات تفریحی و سرگرمی مانند تفرجگاه‌ها و سالن‌های تفریحی و سرگرمی، میدان‌ها و سالن‌های ورزشی؛
- تقویت همکاری منابع مالی و اعتباری مانند بانک‌ها و صندوق‌های قرض‌الحسنه و ... برای تسهیل دریافت وام تعمیر و بهسازی مساکن روستایی که با مصالح کم‌دوام و سازه‌های نامقاوم ساخته شده‌اند؛
- در اولویت قرار گرفتن جلوگیری از آلودگی منابع آب و خاک در برنامه‌های دهیاران و شوراهای اسلامی روستایی و تلاش برای تقویت و ایجاد فضاهای سبز در روستاها از طریق همیاری روستاییان؛
- تقویت فروشگاه‌های تعاونی، فروشگاه مواد سوختی، با مشارکت مردمی و پشتیبانی فنی و مالی دولت از طریق سازمان‌های ذی‌ربط؛
- ایجاد جایگاه دفن زباله، دفع آب‌های سطحی، روش‌های بهداشتی جمع‌آوری زباله در سطح روستاها، با توجه به اینکه اکثر روستاهای مورد مطالعه حتی مرکز دهستان‌ها به‌لحاظ بهداشت محیطی با مشکل‌های زیادی روبه‌رو هستند؛
- تقویت فروشگاه‌های تعاونی، فروشگاه مواد سوختی، با مشارکت مردمی و پشتیبانی فنی و مالی دولت از طریق سازمان‌های ذی‌ربط.

منابع

۱. پورطاهری، مهدی، سجاسی قیداری، حمدالله و طاهره صادقلو، ۱۳۹۰، **ارزیابی تطبیقی روش‌های رتبه‌بندی مخاطرات طبیعی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: استان زنجان)**، پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره ۳، صص ۳۱-۵۴.
۲. خادم‌الحسینی، احمد، منصوریان، حسین و محمدحسین ستاری، ۱۳۸۹، **سنجش کیفیت زندگی در نواحی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)**، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، سال اول، شماره ۳، صص ۶۰-۴۵.
۳. رضوانی، محمدرضا، منصوریان، حسین و فاطمه احمدی، ۱۳۸۸، **ارتقای روستاها به شهر و نقش آن در بهبود کیفیت زندگی ساکنان محلی (مطالعه موردی: شهرهای فیروزآباد و صاحب در استان‌های لرستان و کردستان)**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره ۱، صص ۶۶-۳۳.
۴. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و مرتضی توکلی، ۱۳۸۲، **رفاه اجتماعی روستایی؛ رویکردی شناختی در تبیین معرف‌ها**، فصلنامه مدرس، دوره هفتم، شماره ۲، صص ۶۲-۸۲.
۵. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، فتاحی، احداالله و مجتبی حاجی‌پور، ۱۳۹۰، **ارزیابی توزیع فضایی کیفیت زندگی در مناطق روستایی (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان دلفان)**، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره ۶، صص ۶۹-۹۴.
۶. سلیمانی، محمد، منصوریان، حسین و زهرا براتی، ۱۳۹۲، **سنجش کیفیت زندگی در محله‌های در حال گذر شهری (مورد مطالعه: محله دروازه شمیران از منطقه ۱۲ شهر تهران)**، فصلنامه بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران، سال یازدهم، شماره ۳۸، صص ۷۵-۵۲.

۷. شکویی، حسین، ۱۳۸۵، **اندیشه‌های نو در فلسفه، انتشارات گیتاشناسی، تهران.**
۸. فتاحی، احدالله، خراسانی، محمدامین و ابوذر پایدار، ۱۳۹۱، **کیفیت زندگی و توسعه انسانی**، چاپ اول، نشر انتخاب، تهران.
۹. کردزنگنه، جعفر، ۱۳۸۱، **بررسی کیفیت زندگی مرتبط با سالمندان و عوامل مؤثر بر آن**، رساله کارشناسی ارشد، استاد راهنما: محمد میرزایی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران.
10. Berger, S., 2002, **Reconsidering Social Cohesion in Quality of Life Assessments: Concept and Measurements**, Social Indicators Research, Vol. 58, No. 32, PP. 28- 403.
11. Costanza, et al., 2008, **An Integrative Approach to Quality of Life Measurement**, Research and Policy, Vol. 1, No.15, PP. 11-15.
12. Roknedin Eftekhari, A., Fattahi, A. and Hajipoor, M., 2011, **Spatial Distribution Assessment Quality of Life in Rural Areas: A Case Study of Central Part of City Delfan**, Journal of Rural Research, Vol. 2, No. 2, PP. 69-94.
13. Roknedin Eftekhari, A. and Tavakoli, M., 2003, **Rural Social Welfare Approach in Explaining Cognitive Indicators**, Journals of modares, Vol. 7, No. 2, PP. 62-82.
14. Fattahi, A., Khorasani, M. A. and Payadar, A., 2012, **Quality of Life and Human Development**, 1st Ed, Entekhab Publication, Tehran.
15. Foo, T. S., 2000, **Subjective Assessment of Urban Quality of Life in Singapore**, Habitat International, Vol. 1, No. 3, PP. 24.
16. Hytonen, M., 2003, **Social Sustainability of Forestry in Northern Europe: Research and Education**, Final Report of the Nordic Research Programm on Social Sustainability of Forestry, Nordic Council of Ministers, Copenhagen.
17. Brown, I. and Brown, I. R., 2003, **Quality of Life and Disability an Approach for Community Practitioners**, Jessica Kingsley Publishers, London and New York.
18. Kakalauskas, A., Zavadskas, E. and Rasalanas, S., 2006, **Selection of Low-e in Retrofit of Public Buildings by Applying Multiple Criteria Method Copras: A Lithuanian Case**, Energy and Buildings, Vol. 38, No.21, PP.454-462.
19. kamp Irene van, Leidelmeijer Kees, Marsman Gooitske and Hollander Augustinus de, 2003, **Urban Environmental Quality and Human Well-being Towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts**, A Literature Stud, Landscape and Urban Planning, Vol. 65, No.2, PP. 5 -18.
20. Khademolhosseini, A., Mansorian, H. and Sattari, M. H., 2010, **Assessment Subjective Quality of Life in Urban Areas: A Case Study of Noorabad City**, Journal of Geography and Environmental Studies, Vol. 1, No. 3, PP. 45-60.
21. Kordzanganeh, J., 2006, **Study of Health Related Quality of Life in Aged people: Case Study of Ramhormoz City**, M.S Thesis, Supervisor: Mirzaie, M., University of Tehran, Tehran.
22. Mulliner, E., Small bone, K. and Vida, 2012, **An Assessment of Sustainable Housing Affordability Using Multiple Criteria Decision-Making Method**, Omega the International Journal of Management Science, Vol. 18, No.26, PP. 1-10.
23. Pacione, M., 2003, **Urban Environmental Quality and Human Wellbeing a Social Geographical Perspective**, Landscape and Urban Planning, Vol. 65.
24. Poortaheri, M., Sojasi Qidari, H. and Sadeghloo, T., 2011, **Comparative Assesment of Ranking Methods for Natural Regions: Case Study of Zanjan Province**, Jornal of Rural Research, Vol. 2, No. 3, PP. 31-54.
25. Rezvani, M. R., Mansouran, H. and Ahmadi, F., 2009, **Promoting Rural to Urban Areas and Its Role in Improving the Quality of Life of Local Residents: Case Study of Noorabad and Saheb Cities**, Journal of Rural Research, Vol. 1, No. 1, PP. 33-66.
26. Schneider, A., 1976, **The Quality of Life and Social Indicators**, Public Administration Review, Vol.4, No.10, P. 301.
27. Sells, S. P., Smith, T. E. and Sprenkle, D. H., 1995, **Integrating Qualitative and Quantitative**

- Research Methods: A Research Model**, Family Process, Vol. 34, No. 28, PP. 199-218.
28. Shakoei, H., 2006, **New Thought Philosophy Geography**, 5th Ed, Publication Gita Shenasi, Tehran.
29. Soleimani, M., Mansouran, H. and Brati, Z., 2013, **Measuring Quality of Life in Urban Neighborhoods in Transition: Case Study of District Darvazeh Shemiran**, Journal of International of Geographical Society of Iran, Vol. 11, No. 38, PP. 52-75.
30. Yung, J., 2008, **Subjective Quality of Life Measurement in Taipei**, Building and Environment, Vol. 43, No.12, PP. 1205–1215.